

شرط ضمن عقد ازدواج در فقه حنفی و قانون مدنی افغانستان



جلیل احمد خلیلی

چکیده

شریعت اسلام به منظور تحقق عدالت، بنای خانواده سالم و حفظ حقوق زن و شوهر، مجموعه‌یی از احکام و قواعد کلی را وضع نموده است. از جمله حقوقی که شریعت اسلام برای مرد و زن قایل است، حق شرط‌گذاری در عقد ازدواج است، طوری که مخالف مقتضای آن نباشد. هدف این تحقیق، شناخت شروط ضمن عقد نکاح در فقه حنفی و قانون مدنی افغانستان بوده است؛ به همین جهت پرسش اساسی‌یی که در این خصوص مطرح شده این است، که شروط ضمن عقد نکاح در فقه حنفی و قانون مدنی افغانستان چیست؟ برای پاسخ‌یابی به این پرسش، از روش تحلیلی - مقایسه‌وی و منابع کتاب‌خانه‌یی استفاده گردیده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که شروط ضمن عقد نکاح در فقه حنفی شامل شروط صحیح، شروط فاسد و شروط باطل بوده، شروط صحیح عبارت از شرطی‌اند که یا موافق مقتضای عقد است، یا این که مؤکد آن و یا شرع در مورد آن اجازه داده است، یا این که در عرف جاری است. شروط ضمن عقد نکاح اگر از جمله شروط صحیح باشند، وفا به آن حتمی بوده و عقد نیز صحیح پنداشته می‌شود. اگر شروط ضمن عقد نکاح از جمله شروط فاسد و یا شروط باطل باشند، به اساس فقه حنفی، عقد صحیح و شرط لغو می‌باشد. بناءً برخی از شروط عقد را باطل می‌سازند؛ مانند نکاح موقت. شروط ضمن عقد نکاح در قانون مدنی به طور مفصل بیان نشده، بل که به طور پراکنده احکامی که به توافقات عقد ازدواج مربوط می‌شوند، اشاره گردیده است. اگر شروط ضمن عقد مخالف قانون و اهداف ازدواج باشد، عقد صحیح و شرط باطل پنداشته می‌شود.

واژه‌گان کلیدی: شروط ضمن عقد، فقه حنفی، شروط صحیح، قانون مدنی

افغانستان، مقتضای عقد.

Conditions of Marriage Contract in Hanafi Jurisprudence and Civil Law of Afghanistan

Jalil Ahmad Khalili¹

Abstract

In order to achieve justice, according to a healthy family and to protect the rights of husband and wife, Islamic law has established a set of general rules and regulations. Among the rights that Islamic Sharia provides for men and women is the right to condition in the marriage contract in such a way that it is not contrary to it. The purpose of this research is to study the conditions of marriage in Hanafi jurisprudence and civil law of Afghanistan; For this reason, the basic question in this regard is what are the conditions of marriage in Hanafi jurisprudence and civil law? To answer this question, analytical-descriptive method of library resources has been used. The findings of this research show that the conditions of the marriage contract in Hanafi jurisprudence include correct conditions, corrupt conditions and invalid conditions, and the correct conditions are conditions that are either in accordance with the requirements of the contract, or those that have been approved by the Shariah, or that are current in custom. If the conditions included in the marriage contract are among the correct conditions, the fulfillment of them is certain and the contract is also considered valid. According to Hanafi jurisprudence, if the conditions included in the marriage contract are corrupt conditions or invalid conditions, the contract is valid and the condition is void. The conditions of the marriage contract are not stated in detail in the civil law, but the rulings related to the marriage contract are mentioned sporadically. If the conditions included in the contract are against the law and the goals of marriage, the contract is considered valid and the condition invalid.

Keywords: Conditions of the Marriage Contract, Hanafi jurisprudence, correct conditions, civil law, he Requirements of the Contract.

¹ Faculty of Law and Political Sciences, Hariwa Institute of Higher Education. Herat. Afghanistan. (jalilahmad@hariwa.edu.af)

۱. مقدمه

ازدواج از جمله مسائل مهم و اساسی است، که زنده‌گی اجتماعی بر آن بنا شده است؛ بنابراین، شریعت اسلامی به منظور تحقق عدالت، بنای خانواده سالم و حفظ حقوق زن و شوهر، مجموعه‌یی از احکام و قواعد کلی را وضع نموده است. از جمله حقوقی که شریعت اسلامی برای مرد و زن قایل است، حق شرط‌گذاری در عقد ازدواج است؛ به نحوی که مخالف مقتضی آن نباشد؛ اما این شروط بسیار به ندرت در عقد ازدواج گذاشته می‌شود، دلیل آن یا ناآگاهی از اهمیت آن‌ها در عقد ازدواج بوده یا به منظور ملاحظات اجتماعی است، که آن‌ها برای تعیین این شروط راحت نیستند و از نوشتن آن‌ها در یک سند خودداری می‌کنند؛ در حالی که این شروط، به خاطر حفظ حقوق زن و شوهر و تحقق مصلحت برای هر یک شان است. از سویی، این شروط به خانواده کمک می‌کند تا به زنده‌گی خویش تداوم بخشند.

با بررسی پیشینه تحقیق می‌توان گفت تحقیقی تحت این عنوان انجام نشده است. لازم به ذکر است، کتابی با عنوان *الشروط المقترنه بعقد الزواج دراسه مقارنه بین الفقه الاسلامی و قانون الاسره الجزایری* اثری است که در سال ۲۰۲۱ در جامعه آکلی محند اولحاج - البویره، کلیه الحقوق و العلوم السیاسیه، توسط مادی محمد و محفوظ احمد تحت اشراف دیاب جفال الیاس به چاپ رسیده است؛ در کتاب مذکور شروط ضمن عقد نکاح را مطابق به فقه اهل سنت و قانون خانواده الجزایر مورد بحث قرار داده و مباحثی چون شروط ضمن عقد نکاح، شروط صحیح، آثار و احکام شروط ضمن عقد نکاح را نیز به نگارش گرفته است.

بررسی‌های موجود، نشان می‌دهند که درباره شروط ضمن عقد نکاح در فقه حنفی و قانون مدنی افغانستان به طور مقایسه‌وی، تاکنون کدام اثر علمی - تحقیقی مشخصی در قالب کتاب یا مقاله کار نشده است؛ تنها به زبان عربی آن‌هم مطابق به فقه اهل سنت به موضوع نوشته شده است. تفاوت این تحقیق با تحقیق مذکور این است، که در این تحقیق شروط ضمن عقد نکاح را به طور مقایسه‌وی در فقه حنفی و قانون مدنی افغانستان به زبان فارسی به تحریر در آمده است. هدف ما در این تحقیق شناخت شروط ضمن عقد نکاح در فقه حنفی و قانون مدنی افغانستان و آثار شروط مذکور است. پرسشی که مطرح می‌شود، این است که شروط ضمن عقد نکاح مطابق به فقه حنفی و قانون مدنی افغانستان کدام‌ها بید و وجوه اشتراک و افتراق در آن‌ها چیست؟ برای دریافت پاسخ این پرسش، از روش تحلیلی - مقایسه‌وی و از منابع کتاب‌خانه‌یی استفاده شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که شروط ضمن عقد نکاح در فقه حنفی شامل شروط صحیح، شروط فاسد و شروط باطل بوده؛ شروط صحیح عبارت از شرطی‌اند که یا موافق مقتضای عقد است، یا این که مؤکد آن و یا شرع در مورد آن اجازه داده است، یا این که در عرف جاری است. شروط ضمن عقد

نکاح اگر از جمله شروط صحیح باشند، وفا به آن حتمی بوده و عقد نیز صحیح پنداشته می‌شود. اگر شروط ضمن عقد نکاح از جمله شروط فاسد و یا شروط باطل باشند، به اساس فقه حنفی، عقد صحیح و شرط لغو می‌باشد. بناءً برخی از شروط عقد را باطل می‌سازند؛ مانند نکاح موقت. شروط ضمن عقد نکاح در قانون مدنی به‌طور مفصل بیان نشده، بل که به‌طور پراکنده احکامی که به توافقات عقد ازدواج مربوط می‌شوند، اشاره گردیده است. اگر شروط ضمن عقد مخالف قانون و اهداف ازدواج باشد، عقد صحیح و شرط باطل پنداشته می‌شود.

۲. مفهوم‌شناسی

نخست برای شناخت شروط ضمن عقد نکاح، لازم است تعریفی از شرط، نکاح و شروط ضمن عقد نکاح ارائه شود، تا خواننده بتواند مطلب اصلی این تحقیق را بداند.

۲-۱. مفهوم شرط

شرط در لغت، به معنای علامت ملازم (با یک چیز) است و در اصطلاح، چیزی است، که وجودیافتن شیء متوقف بر وجودیافتن آن است و خارج از حقیقت آن شیء هم هست و از وجودیافتن آن (شرط) وجود یافتن شیء لازم نمی‌آید؛ اما از عدم و نبودن آن، عدم شیء لازم می‌آید (زیدان، ۱۳۹۶: ۷۰).

۲-۲. مفهوم عقد ازدواج

فقیهان برای نکاح تعریف‌های متعددی را ارائه نموده‌اند، که در این مبحث به برخی از تعریف‌های عقد نکاح مطابق فقه حنفی و قانون مدنی افغانستان پرداخته می‌شود:

۲-۲-۱. مفهوم عقد ازدواج در فقه حنفی

عقد نکاح / ازدواج در فقه اسلامی با عبارت‌های مختلفی تعریف شده است، که به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد:

۱. ازدواج در لغت به معنای ارتباط میان زن و مرد و نکاح به معنای ضم، پیوند و یک‌جاشدن است. در اصطلاح عبارت از عقدی است، که از روی قصد بر ملک متعه وارد می‌گردد؛ یعنی بهره‌برداری و استفاده مرد از زن را در صورتی که مانع شرعی وجود نداشته باشد، مشروع و جایز می‌گرداند (زحیلی، ۱۴۳۱ ق: ۲۳). مراد از ملک متعه این است، که مرد حق استفاده از زن را با آمیزش جنسی «جماع»، لمس کردن و بوسیدن دارد؛

۲. ازدواج عبارت از عقدی است، که استمتاع و بهره‌برداری هر یک از زوجین (زن و شوهر) را به طریق مشروع، حلال و جایز می‌گرداند؛ و هر یک از آنها دارای واجبات و تکالیف می‌باشند (خلاف، ۱۴۱۰ ق: ۱۵)؛

۳. نکاح یا ازدواج، عبارت از رابطه‌یی است حقوقی و عاطفی که براساس تراضی طرفین و به وسیله عقد بین زن و مرد و با شرایط خاصی که در فقه مقرر شده است، حاصل می‌شود، و به آنها این حق را می‌دهد که با یکدیگر زنده‌گی کنند و تشکیل خانواده بدهند (رحمانی، ۱۳۸۳: ۲۲).

از این رو، نکاح رابطه حقوقی و عاطفی است بین زن و مرد، که باید سه خصوصیت را داشته باشد:

۱. این رابطه باید براساس رضایت و بر خاسته از انتخاب، اختیار و اراده آزاد طرفین باشد و هرگونه جبر و اکراه در آن راه نداشته باشد؛
۲. رضایت طرفین باید به وسیله توافق ویژه یا عقد و با الفاظ مخصوص عقد نکاح اظهار و اجرا گردد؛
۳. رابطه‌یی که براساس اراده آزاد طرفین و به وسیله عقد به وجود می‌آید، باید منجر به تشکیل خانواده و زنده‌گی مشترک گردد (رحمانی، ۱۳۸۳: ۲۸).

۲-۲-۲. مفهوم عقد ازدواج در قانون مدنی

قانون مدنی افغانستان در ماده ۶۰ عقد ازدواج را چنین تعریف نموده است: «ازدواج عقدی است که معاشرت زن و مرد را به مقصد تشکیل فامیل مشروع گردانیده، حقوق و واجبات طرفین را به وجود می‌آورد» (۱۳۵۵).

از ماده فوق موارد زیر دانسته می‌شود:

۱. ازدواج یک عقد است و در هر عقدی لازم است، که توافق طرفین در آن وجود داشته باشد؛
۲. موضوع عقد ازدواج، مشروعیت معاشرت بین زن و مرد است؛
۳. مقصد از معاشرت مذکور، تشکیل فامیل است؛
۴. اثر عقد ازدواج این است، که حقوق و واجبات طرفین را به وجود می‌آورد.

۲-۳. مفهوم شرط‌های ضمن عقد ازدواج

شرط‌های ضمن عقد عبارت از آن تعهدات و التزام‌هایی هستند که در ضمن عقد معین، در کنار تعهد اصلی ایجاد می‌شوند. به طور مثال، دختر در هنگام ازدواج با پسر، شرط می‌کند که ازدواج با تو را قبول می‌کنم به شرط آن که دارای درجه تحصیلی لیسانس باشی، یا به شرط آن که سکونت ما در

شهر هرات باشد، یا به شرط آن که رفتار بد نداشته باشی و بیش تر از شش ماه زنده گی را ترک نکنی، و یا به شرط آن که از طرف تو وکیل در توکیل باشم تا خودم را در صورت لزوم، مطلقه نمایم. اینها شرطهایی اند که می تواند در ضمن عقد ازدواج توسط زن گذاشته شود (رحمانی، ۱۳۸۳: ۷۰).

به عبارت دیگر، منظور از شرایط ضمن عقد نکاح، شرایطی است، که با نکاح یکجا ذکر شود، هر شرطی که ضمن عقد باشد فرض بر این است که طرف مقابل از ابتدا با آن موافقت کرده و سپس در آن گنجانیده شده است (مادی محمد و محفوظ احمد، ۲۰۲۱ م: ۱۳).

بر اساس تعریف شرط ضمن عقد ازدواج می توان خصوصیات اساسی بی را که شرط بر آن استوار است، قرار شرح زیر بیان کرد:

- امری زاید بر اصول عقد؛
- امری مربوط زمان آینده؛
- امری ممکن الوقوع.

۳. انواع شروط ضمن عقد ازدواج

در عقد نکاح یا عقد ازدواج نیز مانند سایر عقود طرفین می توانند شروطی را درج نمایند. شروطی که در ضمن عقد نکاح درج می شود، تعهدات فرعی هستند، که خارج از ارکان و عناصر اصلی عقد است. به شروطی که ضمن عقد نکاح با توافق طرفین ایجاد می گردد، شروط ضمن عقد گفته می شود. شروط ضمن عقد نکاح می تواند انواع متفاوتی داشته باشد. برای مثال، ممکن است طرفین در عقد شرط کنند که یکی از طرفین دارای وصف خاصی باشد. همان طور که در قسمت قبل بیان گردید، شروط ضمن عقد نکاح می توانند انواع متفاوتی داشته باشند؛ همچنین ممکن است شرطی که با توافق به صورت فرعی در عقد نکاح ایجاد می گردد شرطی باطل باشد. در این قسمت قصد داریم انواع شروطی که ممکن است در ضمن عقد نکاح درج گردد را در سه دسته با عناوین شروط صحیح، شروط فاسد و شروط باطل تقسیم نموده و هر یک را به صورت مجزا توضیح دهیم.

در یک تقسیم بندی کلی مطابق به فقه حنفی می توان شروط ضمن عقد را به سه دسته، شروط صحیح، شروط فاسد و شروط باطل تقسیم بندی نمود (زحیلی، بی.تا: ۴/ ۵۵۸ و وزارت الاوقاف والشون الاسلامی، ۱۴۰۴-۱۴۲۷ ه: ۳۰/ ۲۳۸).

۳-۱. شروط صحیح

شروط صحیح عبارت از شروطی اند که یا موافق مقتضای عقد است، یا مؤکد آن و یا شرع در مورد آن اذن داده و یا این که در عرف جاری است.

از این تعریف دانسته می شود که شروط صحیح ضمن عقد در مذهب حنفی چهار قسم است:

۱. شرطی که موافق مقتضای عقد باشد؛ به طور مثال، زن شرط می‌گذارد که شوهرش نفقه او را بدهد، یا مرد شرط می‌گذارد که زن در صورت دریافت مهریه، خود را تسلیم کند. این‌ها شرایطی اند که موافق مقتضای عقد بوده و تحقق آن‌ها شرعاً لازم‌الاجرا است؛ حتی اگر هیچ‌یک از طرفین آن را شرط نکرده باشند؛ زیرا نفقه زن و این که زن در صورت دریافت مهریه، خود را تسلیم کند، لازمه عقد نکاح است؛
 ۲. شرطی که مؤکد مقتضای عقد باشد؛ به طور مثال، زن شرط می‌گذارد که ضامن پرداخت مهریه و نفقه وی پدرشوهرش باشد؛
 ۳. شرطی که شریعت در مورد آن اجازه داده است؛ به طور مثال، مرد شرط می‌گذارد که زنش را در صورت بروز دلیل موجه طلاق دهد. همه این‌ها در شریعت جایز است. یا زنی با مردی به این شرط ازدواج می‌کند که صلاحیت طلاق را به وی دهد.
- ابن عابدین حنفی در کتاب *ردالمحتار علی الدر المختار* می‌گوید: اگر ابتدا زن شرط گذاشت، که با تو به این شرط ازدواج کردم که صلاحیت طلاق به دست من باشد، یا هر زمانی که خواستم خودم را طلاق بدهم؛ سپس آن مرد بگوید قبول کردم در این صورت نکاح صحیح بوده و صلاحیت طلاق هم به زن تعلق می‌گیرد (ابن عابدین، ۱۴۱۲ ق: ۳/ ۲۷ و خلاف، ۱۴۱۰ ق: ۱۵۰)؛
۴. شرطی که در عرف جاری است؛ به طور مثال، مشتری شرط می‌گذارد که فروشنده مبیعه را تا به خانه مشتری انتقال دهد یا در بحث نکاح، مرد شرط می‌گذارد که فامیل زن جهیزیه را تهیه و آماده سازد. شروط عرفی در صورتی صحیح است، که مخالف نص شرعی یا اصول و اهداف کلی شریعت نباشد (زحیلی، بی.تا: ۴/ ۵۵۹).
- زمانی که یکی از عاقدان این شرایط را گذاشتند، بر شخص دیگر لازم است آن‌ها را انجام دهد؛ اما غیر از صحیح، سایر شروط اعتبار نداشته و وفا به آن لازم نیست؛ بل که عقد صحیح و شرط لغو پنداشته می‌شود؛ مثلاً مردی با زنی ازدواج می‌کند به این شرط که مهریه نگیرد یا از یک‌دیگر میراث نبرند؛ درحالی که مسلمان هستند؛ در این صورت و موارد مشابه، عقد صحیح و شرط لغو است.

۲-۳. شروط فاسد

شروط فاسد آن است، که یکی شروط صحیح در آن نباشد؛ یعنی موافق مقتضای عقد، مؤکد مقتضای عقد، مطابق به شریعت یا مطابق به عرف جاری نیست، بل که دارای منفعت اضافی برای یکی از طرفین است. می‌توان چنین تعریف کرد: شروط فاسد عبارت از شروطی‌اند که در آن یکی از متعاقدان یا کسی غیر از آن دو، منفعتی دارد و از نوع منافع صحیح نیست.

مثال زن شرط می‌گذارد که شوهرش او را از کشوری که در آن ازدواج کرده بیرون نکند، یا زن مجدد نگیرد یا زن اولش را طلاق دهد یا او را هیچ وقت طلاق ندهد.

اثرگذاری شرط فاسد در عقود برحسب نوع عقد متفاوت است. قاعده این است که شرط فاسد عقودهای معاوضه مالی را فاسد می‌سازد؛ ولی در سایر عقود تأثیری ندارد. به این معنا که شرط فاسد معاوضات مالی مثل بیع، اجاره، قسمت، مزارعت، مساقات و عقد صلح را فاسد می‌سازد؛ به دلیل این که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: (نهی عن بیع و شرط) و شرط فاسد با اساس معاملات مالی منافات دارد؛ اما شرط در غیر از عقودهای مالی، مانند هبه، عاریت، کفالت، حواله، رهن، ازدواج، طلاق و وکالت هیچ تأثیری ندارد. در صورتی در عقودهای غیر مالی شرط فاسد گذاشته شود، عقد صحیح و شرط لغو پنداشته می‌شود (زحیلی، بی.تا: ۴/۵۶۰).

۳-۳. شروط باطل

شروط باطل آن است، که هیچ‌یک از انواع شرط صحیح در آن نیست و منفعتی برای یکی از عاقدان یا غیر ایشان ندارد، بل که آن چیزی است، که برای یکی از عاقدان ضرر دارد.

یا در تعریف شرط باطل می‌توان گفت: شروط باطل عبارت از شروطی‌اند که معنای صحیح و فاسد، هیچ‌کدام در آن محقق نمی‌شود؛ مانند کسی که خانه خود را فروخته به این شرط که کسی در آن سکونت نکند. شرط فاسد عقد را فاسد می‌کند؛ اما شرط باطل لغو و فاقد اثر است و در عین وجود آن هم عقد صحیح می‌باشد.

در صورتی که در هنگام عقد شرط باطل گذاشته شود، عقد صحیح و شرط لغو و باطل پنداشته می‌شود؛ چه در عقودهای معاوضات مالی باشد یا در عقودهای دیگر مثل، ازدواج، کفالت و هبه واقع شود (همان‌جا).

۴. شرط‌های متداول ضمن عقد نکاح در فقه حنفی

گاهی به هنگام عقد ازدواج زن یا شوهر شرط یا شروطی را ضمن عقد ازدواج قرار می‌دهند که ممکن است برخی از آن‌ها صحیح، برخی فاسد و برخی دیگر باطل باشند. در این مبحث به برخی از شروط ضمن عقد نکاح و حکم فقهی هر یک از آن‌ها که در کتاب‌های معتبر فقه حنفی بیان گردیده، اشاره می‌شود:

۱. اگر فردی با زنی بدین شرط ازدواج کرد که به او (زن) مهریه‌ی تعلقی نگیرد؛ حکم این زن به سان حکم زنی است که برای او در عقد نکاح، مهریه‌ی مشخص نگردهد، و برایش «مهر مثل» یا «متعه» واجب می‌گردد؛

۲. اگر فردی، زنی را در مقابل هزار درهم بدان شرط به عقد ازدواج خویش درآورد، که او را از فلان شهر بیرون نکند؛ یا بر سر او همسر نیاورد و با وجود او زن دیگری نگیرد، در این مسأله تفصیل وجود دارد؛ این طور که اگر شوهر به شرط خویش وفا نمود، به زن مهریه‌یی تعیین شده (هزار درهم) تعلق می‌گیرد؛ و اگر بر سر او همسر دیگر آورد و یا زن را از شهر بیرون کرد، در آن صورت، مهر مثل به زن تعلق می‌گیرد؛

۳. اگر مردی آزاد، با زنی بدین شرط ازدواج کرد، که یک سال او را خدمت نماید؛ یا به او قرآن را بیاموزاند؛ تعیین این گونه کارها به‌عنوان مهریه درست نیست؛ و در این صورت به زن، «مهر مثل» تعلق می‌گیرد؛

۴. اگر مردی با زنی به این شرط ازدواج کرد که مهریه او شراب یا خوک باشد یا این که به مدت یک سال خدمت او را بکند یا برای او قرآن بیاموزاند، در این صورت نکاح صحیح و برای زن مهر مثل لازم است؛ زیرا شرط فاسد بوده و نکاح با شرط فاسد باطل نمی‌گردد (موصلی، ۱۴۲۶ ق: ۱۱۸)؛

۵. اگر مردی با زنی به صد هزار افغانی ازدواج کرد به شرط این که زن دیگری نگیرد، اگر به شرط وفا کرد، مهر مسمی لازم می‌شود و اگر به شرط وفا نکرد، مهر مثل لازم می‌شود؛

۶. اگر مردی با زنی به این شرط ازدواج کرد اگر به همراه او مقیم باشد، مهریه او هزار درهم و اگر او را از شهرش بیرون کند، برایش دو هزار درهم باشد. در این صورت اگر به هم‌رایش مقیم بود، هزار درهم لازم می‌شود و اگر او را از شهر بیرون کرد، مهر مثل لازم می‌شود؛ به این معنا است که از دو هزار درهم بیش‌تر و از هزار درهم کم‌تر نباشد (همان: ۱۱۹)؛

۷. اگر مردی برای زنی گفت: امروز با تو ازدواج کردم، به شرطی که امروز تا به شب حق خیار داری؛ و او قبول کرد. در این صورت نکاح صحیح و شرط باطل است؛ زیرا خیار شرط در نکاح لغو است (ابن نجیم مصری، ۱۱۳۸ ق: ۳/۸۴)؛

۸. اگر مردی با زنی به هزار درهم به این شرط ازدواج کرد، که او را مکلف به انجام کارهای سخت نکند یا برایش هدیه بدهد یا زن دیگرش را طلاق دهد، یا برادرش را آزاد کند یا مرد دخترش را به ازدواج پدرش بیاورد. در این صورت‌ها، اگر مرد به شرط‌ها وفا کرد، همان هزار درهم لازم است و اگر به شرط‌ها وفا نکرد مهر مثل لازم می‌گردد (همان: ۱۷۱)؛

۹. اگر مردی با زنی ازدواج کرد به این شرط که مهریه نگیرد، در این صورت نکاح صحیح و شرط لغو است (خلاف، ۱۴۱۰ ق: ۷۹)؛

۱۰. اگر مردی با زنی ازدواج کرد به شرطی که باکره، جوان و زیبا باشد؛ اما او را زنی ثیبه، پیر و بی‌عقل دریافت، در این صورت برای مرد هیچ‌خیری نیست.

۵. شروط فاسد و باطل ضمن عقد ازدواج در فقه حنفی

گاهی به هنگام عقد ازدواج زن یا شوهر شرط یا شروطی را ضمن عقد ازدواج قرار می‌دهند، که ممکن است آن شروط فاسد و یا باطل باشند. در این مبحث به آن عده از عقدهایی که مقترن به شرط فاسد و یا شرط باطل‌اند، مطابق به فقه حنفی پرداخته و حکم فقهی هر یک ذکر می‌گردد:

۵-۱. نکاح شغار

نکاح شغار این است، که یک مرد دختر یا خواهرش و یا هرکسی که تحت سرپرستی‌اش می‌باشد را به ازدواج مرد دیگر در می‌آورد، مشروط به این که او نیز دختر یا خواهرش و یا هرکسی که تحت سرپرستی‌اش می‌باشد را در عوض به ازدواج وی دهد. در این صورت هر دو ازدواج درست بوده و شرط باطل است و به هر یک از آن دو زن، «مهر مثل» تعلق می‌گیرد (طهماز، ۱۴۳۰ ق: ۲۸). چون نکاح به‌طور دایمی صورت گرفته و شرط در آن فاسد است، به این دلیل که مشروط بدل مهر قرار نمی‌گیرد، پس شرط لغو و عقد صحیح بوده و مهر مثل نیز به هر دو زن تعلق می‌گیرد (کاسانی، بی-تا: ۲۷۸ و خلاف، ۱۴۱۰ ق: ۳۸).

مهر مثل، عبارت از مهر مثل آن دختری که از قوم پدر با او از لحاظ سن، جمال، مال، عقل، دیانت، محل سکونت، زمان، بکر بودن و نبودن، سواد و بی‌سوادی مساوی باشند مقایسه می‌گردد (طاهری و موحدی، بی-تا: ۲۳)؛ به عبارت دیگر، مهر مثل مهریه‌ی است، که به زن از روی مهریه زنی هم‌شان او از اقوام و خویشاوندان پدری‌اش از قبیل خواهر، دختر کاکا و... به زن داده شود.

۵-۲. نکاح متعه و موقت

نکاح موقت این است که مردی زنی را برای مدت موقت، به‌طور مثال یک روز، یک هفته، یک ماه، یک سال یا کم‌تر یا بیش‌تر با پرداخت مهریه (پول مشخص) عقد می‌کند، به شرط این که بعد از اتمام مدت معین از او جدا شود. این عقد به اجماع فقیهان اهل سنت باطل است؛ اما امام زفر می-گوید که نکاح صحیح بوده و شرط فاسد است و نکاح هم با شرط فاسد باطل نمی‌گردد پس نکاح به‌طور دایمی صحیح و شرط لغو می‌باشد. چنین عقدی در نزد امام ابوحنیفه و یاران شان منعقد نمی-گردد و قول صحیح نیز قول امام ابوحنیفه و یاران شان است (کاسانی، بی-تا: ۲/۲۷۳ و خلاف، ۱۴۱۰: ۳۷-۳۸ و زحیلی، ۱۴۳۱ ق: ۳۷-۳۸).

۵-۳. نکاح حلاله

اگر مردی، زنی را که سه طلاقه شده، بدین شرط پس از سپری شدن عده‌اش به ازدواج خود درآورد که بعداً او را طلاق دهد تا برای شوهر اولش حلال گردد؛ این نوع ازدواج گناهی کبیره و عملی زشت و مکروه می‌باشد؛ ولی با وجود این، اگر ارکان نکاح در چنین ازدواجی موجود باشد، این ازدواج صحیح است؛ و در نکاح مُحَلَّل، اگر شوهر دوم، زن را پس از جماع و هم‌بستری طلاق داد، یا پس از جماع و هم‌بستری با زن، شوهر دوم وفات نماید، در آن صورت آن زن برای شوهر اولش حلال می‌گردد. ازدواج به شرط «تحلیل» مکروه تحریمی می‌باشد (الطیاری و الموسی، ۱۴۳۳ق: ۲۵) نکاح مُحَلَّل، گناهی کبیره و عملی زشت می‌باشد. حضرت علی رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: «لئن رسول الله الْمُحَلَّل والمُحَلَّل له»؛ «پیام‌بر صلی الله علیه و سلم حلال کننده زنی که سه طلاقه شده، و مردی که زن برایش حلال شده - شوهر اول - را لعنت کرده است - ابن ماجه» (زحیلی، ۱۴۳۱ ق: ۹۳).

۵-۴. نکاح مسیار

ازدواج مسیار عقد شرعی بین مرد و زن است، که تمام ارکان و شرایط نکاح را دارد با این تفاوت که زن از حق نفقه و نوبت شب خود و حق مسکن، به‌طور مثال می‌گذرد؛ و شوهر هنگام عقد شرط می‌کند که زن حق نفقه یا مسکن یا نوبت شب نداشته باشد؛ بنابراین، هر وقت خواست نزد او می‌رود. یا خود زن در هنگام عقد از حق نفقه یا مسکن یا نوبت شب خود می‌گذرد و قبول می‌کند که هر وقت خواست شوهرش نزد او بیاید. هر چند در ازدواج اصل این است که مرد حق نفقه، مسکن و نوبت شب زن را بدهد. این نکاح اگر همه شرایط نکاح شرعی را داشته باشد، جایز است.

این نوع از ازدواج که اخیراً در کشورهای خلیج رواج یافته است، براساس مراعات اصول و ارکان عقد و نکاح اجرا می‌شود و در آن ایجاب و قبول، ولی و شاهد حضور دارند؛ اما زن در آن تعهد می‌نماید که از حقوق نفقه و حق خود در مورد تقسیم زمان میان او و شوهرش صرف نظر نماید. این نکاح شرعاً جایز است، اما مقاصد و اهداف اساسی ازدواج از قبیل آرامش و معاشرت و تربیت اولاد به صورت کامل در آن تحقق نمی‌یابد (زحیلی، ۱۳۹۴ ق: ۱۰۵).

باوجود این که فقیهان اسلامی درباره شروط عدم پرداخت نفقه به خانم و قسم (شب‌گذاری باهمسران) سخن زدند و جمهور فقیهان عقد را صحیح و شرط را باطل می‌پندارند. به این اساس زن بعد از عقد نکاح مشروط را مطالبه کرده می‌تواند (مادی محمد و محفوظ احمد، ۲۰۲۱ م: ۵۷).

۶. شرط‌های ضمن عقد ازدواج در قانون مدنی

شرط‌های ضمن عقد، یکی از راه‌های حقوقی است، که زنان برای احقاق حقوق خویش و تعدیل مناسبات ناعادلانه اجتماعی می‌توانند از آن‌ها استفاده مثبت نمایند. شرط ضمن عقد ازدواج در قانون مدنی به‌طور مفصل بیان نشده، بل که به‌طور پراکنده احکامی که به توافقات عقد ازدواج مربوط می‌شوند، اشاره گردیده است.

اساساً چنین دانسته می‌شود که هر توافق مندرج در عقد ازدواج آن‌گاه مدار اعتبار است، که مخالف قانون و اهداف ازدواج نباشد (تهرانی و یساری، ۱۳۸۸: ۶۳). این امر از ماده ۶۸ قانون مدنی نیز حاصل می‌شود. این ماده حکم می‌کند وقتی ازدواج صحیح و توافق باطل تلقی می‌گردد، که توافق مندرج در عقد ازدواج، مغایر قانون و اهداف ازدواج واقع شود: «هرگاه در عقد ازدواج شرطی گذاشته شود که مخالف قانون و اهداف ازدواج باشد، عقد صحیح و شرط باطل پنداشته می‌شود» (قانون مدنی، ۱۳۵۵: ماده ۶۸).

قانون مدنی شرط‌های ضمن عقد ازدواج را در صورتی که مخالف قانون و اهداف ازدواج نباشد، پذیرفته است و در ماده ۸۸ می‌گوید: «زن می‌تواند هنگام عقد ازدواج شرط گذارد که اگر شوهر وی مخالف احکام مندرج ماده ۸۶ این قانون، با زن دیگر ازدواج کند، صلاحیت طلاق به او انتقال داده شود، این شرط وقتی اعتبار دارد که در وثیقه نکاح درج شده باشد» (قانون مدنی، ۱۳۵۵: ماده ۸۸). از ماده فوق دانسته می‌شود که زن می‌تواند در هنگام عقد ازدواج شرط بگذارد که اگر شوهرش ازدواج مجدد نماید صلاحیت طلاق به او انتقال داده شود، به شرط این‌که در نکاح‌نامه درج شده باشد. اگر زوجه اول چنین کرده باشد و شوهرش بار دیگر ازدواج نماید، وی می‌تواند بدون اثبات ضرر طلاق بگیرد. حکم ماده مذکور مطابق فقه حنبلی است. در نزد حنبلی‌ها، اگر زن با مردی به این شرط ازدواج کند که آن مرد زن دیگر نگیرد، در این صورت وفا به شرط لازم بوده و اگر به شرط وفا نشود زن حق فسخ نکاح را دارد (مادی محمد و محفوظ احمد، ۲۰۲۱ م: ۴۵).

هم‌چنان طبق حکم ماده ۱۴۲ قانون مدنی زوج می‌تواند زوجه خود را از طریق وکیل قانونی یا به‌وسیله تفویض صلاحیت طلاق به زوجه، طلاق دهد. ماده مذکور چنین مشعر است: «زوج می‌تواند زوجه‌اش را توسط وکیل قانونی طلاق دهد یا این‌که صلاحیت طلاق را به خود زوجه تفویض نماید» (قانون مدنی، ۱۳۵۵: ماده ۱۴۲). تفویض صلاحیت طلاق از طرف زوج پس گرفته شده نمی‌تواند؛

^۱ ازدواج با بیش از یک زن بعد از تحقق حالات آتی صورت گرفته می‌تواند:

- در حالتی که خوف عدم عدالت بین زوجات موجود نباشد؛
- در حالتی که شخص کفایت مالی برای تأمین نفقه زوجات از قبیل غذا، لباس، مسکن و تداوی مناسب را دارا باشد؛
- در حالتی که مصلحت مشروع مانند عقیم‌بودن زوجه اولی و یا مصاب‌بودن وی به امراض صعب‌العلاج موجود باشد.

مگر این که زوجه تفویض صلاحیت طلاق را نپذیرفته باشد. این امر از ماده ۱۴۳ قانون مدنی دانسته می شود و صراحت دارد: «زوج بعد از تفویض صلاحیت طلاق نمی تواند از آن رجوع کند، مگر این که زوجه صلاحیت مفوضه را قبول نکرده باشد» (قانون مدنی، ۱۳۵۵: ماده ۱۴۳).

۷. شروط فاسد و باطل ضمن عقد نکاح در قانون مدنی

گاهی ضمن عقد نکاح شروط فاسد و یا شروط باطل توسط طرفین عقد گذاشته می شود، در این مبحث به برخی از عقدهای نکاحی که مقترن به شرط فاسد یا باطل اند، مطابق به قانون مدنی حکم هر یک بیان می گردد:

۷-۱. نکاح سفار

قانون مدنی در ماده ۶۹ حکم می کند که زن بدل زن دیگر قرار نمی گیرد، اگر طوری توافق صورت گرفت که زن بدل زن دیگر قرار گیرد و ذکری از مهر نکردند، نکاح صحیح بوده و مهر مثل برای هر یک شان لازم می گردد، و چنین صراحت دارد: «در عقد ازدواج بدل، زن بدل زن دیگر قرار نگرفته و برای هریک از زوجهها مهر مثل لازم می گردد» (قانون مدنی، ۱۳۵۵: ماده ۶۹).
در ماده مذکور، قانون مدنی از فقه حنفی پیروی کرده است؛ یعنی ازدواج هر دوی شان صحیح و برای هریک از زوجهها مهر مثل لازم می گردد.

۷-۲. نکاح موقت

قانون مدنی افغانستان در ماده ۶۶ به عدم جواز نکاح موقت صراحت دارد و این چنین آمده است: «عقد ازدواج با ایجاب و قبول صریح که فوریت و استمرار را افاده کند بدون قید وقت در مجلس واحد صورت می گیرد» (قانون مدنی، ۱۳۵۵، ماده ۶۶).

ماده مذکور علاوه بر این حکم می کند که ایجاب و قبول باید فوریت و استمرار ازدواج را بدون قید وقت واضح سازند؛ به خاطر موجودیت حکم صریحی که امر می کند که ازدواج باید به صورت دوام دار و بدون قید زمان انعقاد گردد. انعقاد ازدواج با قید زمان (صیغه) مطابق به قانون مدنی جایز نیست. شرطی که در این عقد گذاشته می شود باطل است و این که مخالف اهداف عقد نکاح است، نکاح نیز باطل می باشد.

۷-۳. نکاح حلاله

قانون مدنی افغانستان درباره نکاح حلاله به‌طور صریح صراحت ندارد، بل که ازدواج با مطلقه ثلاثه را از جمله محرمات موقت دانسته است. در ماده ۱۴۷ حکم می‌کند که زوج با مطلقه ثلاثه خود دوباره ازدواج کرده نمی‌تواند، وی در صورتی ازدواج دوباره کرده می‌تواند که مطلقه ثلاثه با شخص دیگری ازدواج نموده و بعد از طلاق و ختم عدت با وی ازدواج نماید، و چنین صراحت دارد: «زوج نمی‌تواند با مطلقه ثلاثه خود دوباره ازدواج نماید؛ مگر این که مطلقه ثلاثه با شخص دیگری ازدواج نموده و بعد از دخول ازدواج دومی طلاق گردیده و عدت را تکمیل کرده باشد» (قانون مدنی، ۱۳۵۵: ماده ۱۴۷).

ماده مذکور صراحت دارد که شوهر بامطلقه ثلاثه خود وقتی می‌تواند ازدواج کند که مطلقه ثلاثه با شخص دیگری ازدواج نموده و بعد از دخول ازدواج دومی، زوجه طلاق گردیده و عدت را تکمیل کرده باشد. این ماده به نکاح حلاله هیچ اشاره‌ی نکرده است، در مواد دیگر قانون مدنی نیز به نکاح حلاله اشاره نشده است، اما از ماده ۶۸ قانون مدنی دانسته می‌شود، شرط در نکاح وقتی مؤثر است، که مخالف اهداف ازدواج و قانون نباشد؛ درحالی که نکاح حلاله مخالف مقتضی ازدواج است: «هرگاه در عقد ازدواج شرطی گذاشته شود که مخالف قانون و اهداف ازدواج باشد، عقد صحیح و شرط باطل پنداشته می‌شود». پس می‌توان گفت که نکاح صحیح و شرط باطل است. هم‌چنان ماده دوم قانون مدنی صراحت دارد: در صورتی که حکم مسأله در این قانون نباشد، به فقه حنفی مراجعه می‌گردد: «در مواردی که حکم قانون موجود نباشد، محکمه مطابق با اساسات کلی فقه حنفی شریعت اسلام حکم صادر می‌نماید. که عدالت را به بهترین وجه ممکن آن تأمین نماید» (قانون مدنی، ۱۳۵۵: ماده ۲). از مباحث گذشته دانسته شد، که در نزد احناف عقد نکاح حلاله مکروه تحریمی است، شرطی که گذاشته شده باطل و نکاح برای شوهر اول صحیح می‌باشد.

۷-۴. نکاح مسیار

نکاح مسیار ازدواجی است که همه ارکان و شرایط ازدواج در آن وجود دارد. این ازدواج با ایجاب و قبول و با شرایط معروف، یعنی رضایت طرفین، ولایت، شهادت و کفایت صورت می‌گیرد و در آن مهریه مورد توافق وجود دارد و برای صحت آن باید موانع ازدواج وجود نداشته باشد. بعد از انعقاد عقد تمامی حقوق مترتب بر عقد زوجیت از جهت نسل، ارث، عده، طلاق و مباح بودن رابطه نزدیکی، سکونت و نفقه ثابت می‌شود؛ اما زوجین توافق می‌کنند که زوجه حق نفقه، مسکن و مبیعت (هم‌خواه‌گی) ندارد. طوری که از ازواج مسیار ذکر گردید این ازدواج مطابق به ماده ۶۸ قانون مدنی «هرگاه در عقد ازدواج شرطی گذاشته شود که مخالف قانون و اهداف ازدواج باشد، عقد صحیح و

شرط باطل پنداشته می‌شود» صحیح بوده و شروط گذاشته شده میان زن و مرد نکاح را باطل نمی‌گرداند، بل که شروط باطل پنداشته می‌شود.

۸. مناقشه

در فقه حنفی، شروط ضمن عقد ازدواج موضوعی مهم و پیچیده است. طبق این مذهب، شرایطی که زوجین در حین عقد ازدواج تعیین می‌کنند، کاملاً معتبر و لازم‌الاجرا هستند، مگر این که مخالف با احکام شرعی باشند.

یکی از مهم‌ترین شرایط مطرح شده، حق طلاق است. در فقه حنفی، زن می‌تواند این شرط را در ضمن عقد قرار دهد که شوهرش حق طلاق او را نداشته باشد. این شرط کاملاً معتبر است و شوهر ملزم به رعایت آن است. همچنین، زن می‌تواند شرط کند که شوهرش حق ازدواج با زنان دیگر را نداشته باشد. در این صورت، شوهر مکلف به رعایت مشروط است.

همچنان قانون مدنی افغانستان برخی از شروط ضمن عقد نکاح را صحیح دانسته و شوهر را مکلف به رعایت آن‌ها می‌داند؛ مانند دادن صلاحیت طلاق برای زن در صورت ازدواج مجدد. قانون مدنی افغانستان با فقه حنفی در برخی موارد مطابقت داشته، اما در برخی دیگر مطابق به نظریه مذاهب دیگر حکم نموده است؛ مثلاً از جمله مواردی که اتفاق نظر وجود دارد؛ این است که اگر شروط ضمن عقد نکاح مخالف احکام شرعی و قانونی و اهداف ازدواج باشد، عقد صحیح و شرط لغو پنداشته می‌شود.

۹. نتیجه‌گیری

شرط‌های ضمن عقد عبارت از آن تعهدها و التزام‌هایی هستند، که در ضمن عقد معین، در کنار تعهد اصلی ایجاد می‌شوند. در فقه حنفی و قانون مدنی مرد و زن حق دارند ضمن عقد نکاح شرط بگذارند. حنفی‌ها به این باوراند اگر شروط ضمن عقد نکاح صحیح و موافق مقتضای عقد باشد، وفا به آن لازم است؛ و اگر شروط ضمن عقد نکاح فاسد یا باطل و یا مخالف مقتضای عقد باشد، عقد صحیح و شرط باطل و بی اثر پنداشته می‌شود.

قانون‌گذار قانون مدنی در صورتی شروط ضمن عقد را صحیح می‌داند که مخالف اهداف ازدواج و قانون نباشد، اگر شروط ضمن عقد صحیح باشند رعایت آن الزامی بوده و اگر مخالف اهداف ازدواج یا قانون گذاشته شود، عقد صحیح و شرط باطل تلقی می‌شود، و وفا به شرط لازم نیست.

ORCID

Jalil Ahmad Khalili

<https://orcid.org/0009-0002-8872-4873>

سرچشمه‌ها

۱. ابن نجیم مصری، زین الدین بن ابراهیم بن محمد. (۱۱۳۸هـ). **البحر الرایق شرح کنز الدقایق**. ج ۳. ناشر: دارالکتاب الاسلامی، مکتبه الشامله.
۲. تهرانی، کعبه راستین، یساری، نجم‌ا. (۱۳۸۸هـ). **کتاب درسی انسیتوت ماکس پلانک برای حقوق فامیل افغانستان**. مترجم: فهیم قیومی. ناشر: انسیتوت ماکس پلانک.
۳. خلاف، عبدالوهاب. (۱۴۱۰ق). **احکام الاحوال الشخصیه فی الشریعه الاسلامیه**. کویت: دارالقلم.
۴. رحمانی، عبدالوهاب. (۱۳۸۳). **راهنمای حقوق خانواده در افغانستان از دیدگاه قانون مدنی و عرف**. ناشر: روزنه.
۵. زحیلی، وهبه. (۱۳۹۴هـ). **فقه خانواده در جهان معاصر**. مترجم: عبدالعزیز سلیمی. کتاب‌خانه عقیده.
۶. زحیلی، وهبه. (۱۴۳۱هـ). **الفقه الحنفی المیسر**. ج ۲. دمشق، دارالفکر.
۷. زحیلی، وهبه بن مصطفی. (بی.تا). **الفقه الاسلامی و ادلته**. ج ۴. سوریه - دمشق، دارالفکر.
۸. زیدان، عبدالکریم. (۱۳۹۶). **الوجیز در اصول فقه**. مترجم: فرزاد پارسا. کتاب‌خانه قلم.
۹. طاهری، حفیظ الله، موحدی، غلام احمد. (بی.تا). **خلاصه المسائل فقه حنفی**. ج ۲. سایت کتاب‌خانه عقیده.
۱۰. عبدالله بن محمد، الطیار، عبدالله بن محمد، الموسی، محمد بن ابراهیم. (۱۴۳۳هـ). **الفقه المیسر**. ج ۵. المملکه العربیه السعودیه: الرياض.
۱۱. **قانون مدنی افغانستان**. (۱۳۵۵). شماره ۳۵۳ (جریده رسمی) وزارت عدلیه.
۱۲. الشیخ نظام و جماعه من علماء الهند. (۱۴۱۱هـ) **الفتاوی الهندیه فی مذهب الامام الاعظم ابی حنیفه النعمان**. ج ۱. ناشر: دارالفکر، مکتبه الشامله.
۱۳. الکاسانی، علاالدین. (بی.تا). **بدایع الصنایع**. ج ۱. المکتبه الشامله.
۱۴. مادی محمد و محفوظ احمد. (۲۰۲۱م) **الشروط المقترنه بعقد الزواج دراسه مقارنه بین الفقه الاسلامی و قانون الاسره الجزایری**. تحت اشراف دیاب جفال الیاس. جامعه آکلی محند اولحاج - البویره، کلیه الحقوق و العلوم السیاسیه.

۱۵. محمود طهماز، عبدالحمید. (۱۴۳۰هـ) **الفقه الحنفی فی توبه الجدید**. ج ۲. دمشق: دارالقلم.
۱۶. الموصلی الحنفی، عبدالله بن محمود بن مودود. (۱۴۲۶هـ). **الاختیار لتعلیل المختار**. بیروت- لبنان: دارالکتب العلمیه.
۱۷. وزارت الاوقاف والشون الاسلامیه. (۱۴۰۴-۱۴۲۷هـ). **الموسوعه الفقهیة الكويتیه**. مصر: دارالصفوه.

Resources

- 1) Ibn 'Abidin, Muhammad Amin b. 'Umar b. 'Abd al-'Aziz 'Abidin al-Dimashqi al-Hanafi. (1412 AH) Vol. 3, Beirut, Dar al-Fikr.
- 2) Ibn Nujaym al-Misri, Zayn al-Din b. Ibrahim b. Muhammad. (1138 AH). Al-Bahr al-Ra'iq Sharh Kanz al-Daqa'iq, Vol. 3, Publisher: Dar al-Kitab al-Islami, al-Maktabah al-Shamilah.
- 3) Tehrani, Ka'ba-e Rast-in, Yassari, Najma. (1388 AH) Textbook of the Max Planck Institute for Family Law of Afghanistan, Translator: Fahim Qayumi, Publisher: Max Planck Institute.
- 4) Khalaf, 'Abd al-Wahhab. (1410 AH), Ahkam al-Ahwal al-Shakhsiyyah fi al-Shari'ah al-Islamiyyah, Kuwait, Dar al-Qalam.
- 5) Rahmani, 'Abd al-Wahhab. (1383), Guide to Family Law in Afghanistan from the Perspective of Civil Law and Custom, Publisher: Ruzana.
- 6) Zuhayli, Wahbah. (1394 AH). Fiqh al-Usrah fi al-'Alam al-Mu'asir, Translator: 'Abd al-'Aziz Salimi, Maktabat 'Aqidah.
- 7) Zuhayli, Wahbah. (1431 AH), Al-Fiqh al-Hanafi al-Maysir, Vol. 2, Damascus, Dar al-Fikr.
- 8) Zuhayli, Wahbah b. Mustafa. (n.d.). Al-Fiqh al-Islami wa Adillatuh, Vol. 4, Syria-Damascus, Dar al-Fikr.
- 9) Zaidan, 'Abd al-Karim. (1396). Al-Wajiz fi Usul al-Fiqh, Translator: Dr. Farzad Parsa, Kitabkhana-e Qalam.
- 10) Tahiri, Hafizullah, Muwahhidi, Ghulam Ahmad. (n.d.), Khulasah al-Masa'il Fiqh Hanafi, Vol. 2, Maktabat 'Aqidah website.
- 11) 'Abd Allah b. Muhammad, al-Tayyar, 'Abd Allah b. Muhammad, al-Musa, Muhammad b. Ibrahim. (1433 AH). Al-Fiqh al-Maysir, Vol. 5, Kingdom of Saudi Arabia, Riyadh.
- 12) Civil Code of Afghanistan. (1355), Number 353 (Official Gazette), Ministry of Justice.
- 13) Al-Shaykh Nizam and a group of scholars of India. (1411 AH) Al-Fatawa al-Hindiyyah fi Madhhab al-Imam al-A'zam Abi Hanifah al-Nu'man, Vol. 1, Publisher: Dar al-Fikr, al-Maktabah al-Shamilah.
- 14) Al-Kasani, 'Ala' al-Din (n.d.), Bada'i' al-Sana'i, Vol. 1, al-Maktabah al-Shamilah.
- 15) Madi Muhammad and Mahfuz Ahmad. (2021 AD) Al-Shurut al-Muqtarinah bi-'Aqd al-Zawaj Dirasah Muqaranah bayn al-Fiqh al-Islami wa Qanun al-Usrah al-Jaza'iriyyah, Supervised by Diyab Jufal al-Yas, University of Akli Muhund Oulhadj - Al-Bouira, Faculty of Law and Political Science.

16) Mahmud Tahmaz, 'Abd al-Hamid. (1430 AH) Al-Fiqh al-Hanafi fi Thawbihi al-Jadid, Vol. 2, Dar al-Qalam, Damascus.

17) book@aqeedeh.com

18) Al-Mawsili al-Hanafi, 'Abd Allah b. Mahmud b. Mawdud. (1426). Al-Ikhtiyar li-Ta'lil al-Mukhtar, Beirut-Lebanon, Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah.

19) Ministry of Awqaf and Islamic Affairs. (1404-1427 AH). Al-Mawsu'ah al-Fiqhiyyah al-Kuwaytiyyah, Egypt, Dar al-Safwah.